

دیوان کامل ناصر

اشعار سید محمد نادر علوی

شاعر کرمانی متخلص به ناصر

سرشناسه:	ناصر علوی، محمود، ۱۳۰۹
عنوان و نام پدیدآور:	دیوان کامل ناصر: اشعار سید محمود ناصر علوی شاعر کرمانی
مشخصات نشر:	متخلص به ناصر کرمان: فانوس، ۱۳۹۳
مشخصات ظاهری:	۷۷۱ ص
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۵۶۳۲-۶۷-۵
وضعیت فهرست نویسی:	فیا
یادداشت:	چاپ قبلی کتاب حاضر تحت عنوان «دیوان ناصر» توسط انتشارات فانوس در سال ۱۳۸۸ (ص ۶۷۶) منتشر شده است
عنوان دیگر:	ناصر سید محمود ناصر علوی شاعر کرمانی متخلص به ناصر.
عنوان دیگر:	دیوان ناصر
موضوع:	شعر - قرن ۱۴
رده بندی کنگره:	۱۳۹۳ ۹۵۶۷ ۸۳۲۱
شماره کتابشناسی ملی:	۳۰۲۳۰

انتشارات فانوس: خیابان شهید صدوقی (جانب تهران) - چاپخانه کرمان تکثیر: ۲۴۴۵۶۳۹

- نام کتاب: دیوان کامل ناصر
- نویسنده: سید محمود ناصر علوی
- ناشر: فانوس کرمان (۲۴۴۵۶۳۹)
- تیراژ: ۷۷۱ جلد
- نوبت چاپ: اول ۱۳۹۳
- قیمت: ۱۰۰۰ ریال
- چاپ و صحافی: کرمان تکثیر / ۸۶۵۴
- شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۶۳۲-۶۷-۵

شماره تماس با مؤلف: ۰۹۱۳-۱۴۰-۳۱۵۳

فهرست مطالب

۶۶	مشتاق واحد گشته‌ای	۱۷	دعای پدر در حق فرزندان
۶۷	عاشق بی‌اختیارم	۱۸	مناجات (۱)
۶۸	فوتبال	۱۹	مناجات (۲)
۶۹	فکاهی سوپ	۲۰	عاشق پروردگارم
۷۰	تانک و توب	۲۱	ر وصل خالقم
۷۱	میله‌د مسعود رسول 'کرم' ص	۲۲	عاشق آن روزگارم
۷۲	گذشت رضی	۲۳	از عشق کتاب
۷۳	حاجم خزان است	۲۴	حمم شایه
۷۴	سرنوشت	۲۵	شیرین عشقی
۷۵	پدر	۲۶	جونی با کردم
۷۶	می و میخانه از اوست	۲۷	احوال پیوسته معشوقه
۷۷	پرتو نورش	۲۸	ز عشق او (عشقی)
۷۸	مکافات (اندرز)	۲۹	ناصره پروانه شو
۷۹	اشعار از آقای منتقی شاعر بنام تهرانی	۳۰	طبیعت را نگو
۸۰	صنعت افتخار است	۳۱	عاشقی میخانه را
۸۱	حسادت	۳۲	باداش نیکی (اندرز)
۸۲	مسجد یا بگاه عشق	۳۳	عقربه ساعت تو را بندی دهد
۸۳	رایانه اختراع قرن حاضر	۳۴	شکستی عهد و پیمان را (اندرز)
۸۴	دنیای	۳۵	بی‌وفا (عشقی)
۸۵	لب و دل پیمانه است	۳۶	دوران پیری
۸۶	از رفقت (عشقی)	۳۷	عاشقی بی‌ریا
۸۷	جشن عیش عاشقان	۳۸	ساقیا مست نما
۸۸	ماه مبارک رمضان	۳۹	کرمان بیا
۸۹	صاحب میخانه کیست	۴۰	خالق یکتای ما
۹۰	ساز و ساز	۴۱	جلال یزدان
۹۱	در سبزی	۴۲	شکوه از عدم تکلم در اثر برداشت حنجره
۹۲	هزار بوسه کرد ای جانا (عشقی)	۴۳	در بیمارستان خیلی شیراز
۹۳	در وصف ماهان	۴۴	نیمه شب
۹۴	کاروان عشق	۴۵	شصتمین سال ازدواج
۹۵	دنیا با دوستان زیباست	۴۶	سخن با ماه
۹۶	در حیاتم بر سنگ مزارم یک کرم	۴۷	بگورستان شدم از رنج دنیا
۹۷	مست عشق آخدم	۴۸	دنیا
۹۸	ای کاش (عشقی)	۴۹	در میکده باز است بیا
۹۹	بوسه‌اش به نیسان نیست (عشقی)	۵۰	زود بیا (عشقی)
۱۰۰	چه برق‌آسا گذشت	۵۱	در چمن تنها چرا (عشقی)
۱۰۱	بیاد گذشته	۵۲	ساقی بده پیمانه را
۱۰۲	وصل یار (عشقی)	۵۳	کتاب
۱۰۳	والا گرفت	۵۴	زندگی (اندرز)
۱۰۴	غرق نعمت گشته‌ام	۵۵	شراب وحدت
۱۰۵	لطف یزدان	۵۶	محو ذات خالقم
۱۰۶	از حمد او غافل مشو	۵۷	راز نیمه‌شب
۱۰۷	عشق ما	۵۸	حمد یکتا می‌کنم
۱۰۸	دامن یکتا گرفت	۵۹	یکتا را طلب
۱۰۹	عشق حق	۶۰	خوشگل و بی‌حد لیب (عشقی)
۱۱۰	دل عشق پریدن را گرفت	۶۱	ای حبیب (عشقی)
۱۱۱		۶۲	
۱۱۲		۶۳	
۱۱۳		۶۴	

۱۶۷	پیک خدائی می‌رسد	۱۱۴	گشائی روی ماهت (عشقی)
۱۶۸	غرق دریا گشته ایم	۱۱۵	مشاق دیدار (عشقی)
۱۶۹	همسر خوب و بد	۱۱۶	بیراهه مرو (اندرز)
۱۷۰	کوی عشق	۱۱۷	نباید از وارث تقلید کرد
۱۷۱	تبریکه عید به دکتر علوی نژاد استاد دانشگاه تهران	۱۱۸	می‌رویم کوی غیاث
۱۷۲	عید آمد، عید آمد	۱۱۹	ازدواج (اندرز)
۱۷۵	تبریک عید به دکتر مظاهر مصفا	۱۲۰	شیدا ز حج
۱۷۵	استاد ادبیات دانشگاه تهران	۱۲۱	در کوی حج
۱۷۶	مژده‌ی بهار	۱۲۲	کار کج بد می‌شود (اندرز)
۱۷۷	یارم ز سقر آمد (عشقی)	۱۲۳	عیش دنیا همچو پوچ
۱۷۸	خیر مقدم	۱۲۴	هیچ است
۱۷۹	کاروان عصر	۱۲۵	هیچ و هیچ
۱۸۰	مست دنیا	۱۲۶	هیچ ایم در هیچ
۱۸۱	مشاهده‌ی گورستان بقیع	۱۲۷	سر میبش
۱۸۳	مادران	۱۲۸	پیوسته مداح
۱۸۴	شاعر کیست	۱۲۹	چه بلایی در صبی (عشقی)
۱۸۶	قلب او خارا بود (عشقی)	۱۳۰	دیدار صبح (عشقی)
۱۸۷	پس از مرگ ما	۱۳۱	گشته گستاخ
۱۸۹	بی‌خبران	۱۳۲	فارغ از رویا به کاخ
۱۹۰	بهترین عبادت (اندرز)	۱۳۳	بمشقش پای‌بندم (عشقی)
۱۹۱	مطربا چنگی بزن	۱۳۴	خیر مقدم
۱۹۲	ساقیا	۱۳۵	پیامی نفرستاد
۱۹۳	ساقیا جامی بده	۱۳۷	فلک به یغما بُرد
۱۹۴	در نیم عاشقان	۱۳۸	خواب دیدم پرواز می‌کنم
۱۹۵	از حق	۱۳۹	ای خدا دردم دوا کن
۱۹۶	کرشم یاد شبایم نرود (عشقی)	۱۴۰	گذشت روزگار
۱۹۷	ساقیا جام بده	۱۴۱	در خصوص مرمت بهارستان کرمان به دستور استاندار محترم
۱۹۸	تبریک عید به دکتر محمودیان استاد دانشگاه تهران	۱۴۲	
۱۹۹	مشاق دیدار	۱۴۳	جناب اسماعیل نجار
۲۰۰	رمز پیک خدائی	۱۴۵	بر سنگ مزار پسر محمد حک شده
۲۰۲	تکبر	۱۴۶	بر سنگ مزار دخترم حشمت حک شده
۲۰۳	خالقت نیکو	۱۴۷	به مناسبت شب ژانویه
۲۰۴	شهر کرمان	۱۴۹	از رفتن تو (عشقی)
۲۰۵	مرگ پایان نیست	۱۵۰	زندگی
۲۰۶	بارالها عاشقم	۱۵۱	یکتا پرستم
۲۰۷	زمین	۱۵۲	کی شود هجر به پایان برسد (عشقی)
۲۰۸	آسمان	۱۵۴	غرق عشق خالقم
۲۱۰	وجدان (اندرز)	۱۵۵	تبریک عید به دکتر نیرسینا استاد ادبیات دانشگاه تهران
۲۱۱	عشق یکتا	۱۵۶	به یاد گذشته
۲۱۲	بین من و دل	۱۵۸	عشق حق
۲۱۳	علم و دانش	۱۵۹	عشق او
۲۱۴	چهلمین سال ازدواج	۱۶۰	خوشا آنان بسی غفرانه رفتند
۲۱۶	یاد آن شب (عشقی)	۱۶۱	سرنوشت جوانی و عمر دراز
۲۱۷	پاداش نیکی (اندرز)	۱۶۳	دل براو بند
۲۱۸	شب وصال (عشقی)	۱۶۴	لطف رحمان می‌رسد
۲۱۹	بهر یکتا بی‌قرار	۱۶۵	یادی از دوران عمر
۲۲۰	آرامگاه عارفان و شاعران کرمان		

۲۷۶	خدائی مقتدر در عالم است.....
۲۷۸	عاشقم (عشقی).....
۲۷۹	بی وفایی یار عشقی.....
۲۸۰	ما زنده ز عشقیم (عشقی).....
۲۸۱	میکده عشق.....
۲۸۲	به پیران اختراعی عرضه کن.....
۲۸۳	در فراق یار (عشقی).....
۲۸۶	کجا دنیا لذیذ.....
۲۸۷	عشقی یزدان اتخاذ.....
۲۸۸	از طمع دوری نما (اندرز).....
۲۸۹	فعل بدکار قمار (اندرز).....
۲۹۰	کتابخانه.....
۲۹۱	غم مخور.....
۲۹۲	تا زندانی نیکی نما (اندرز).....
۲۹۳	طبیعت می آموزد.....
۲۹۴	غم مخور.....
۲۹۵	گر بیاید کلبه ام (عشقی).....
۲۹۶	لطف یزدان آشکار.....
۲۹۸	همسر نیک.....
۲۹۹	شوی والا کهر.....
۳۰۰	از دیدن هر منظره (عشقی).....
۳۰۱	آیت یزدان نگر (اندرز).....
۳۰۲	تظاهر.....
۳۰۳	گفتنش گفت (عشقی).....
۳۰۴	بفارش بدوستان در حیات و ممات.....
۳۰۵	یاد تو (عشقی).....
۳۰۶	میکده عشق.....
۳۰۷	رحمت خالق نگر.....
۳۰۸	آمد بهار.....
۳۰۹	زبان من بستان.....
۳۱۰	بیا میخانه عشق.....
۳۱۱	بهار شیرین.....
۳۱۲	چه نیکو حرفه ای.....
۳۱۴	یاد شباییم هنوز.....
۳۱۵	گوته میخانه ام (عشقی).....
۳۱۶	عشق تو برجاست هنوز (عشقی).....
۳۱۷	هنوز عشق جوانی دارم (عشقی).....
۳۱۸	بین دختران گلچین باش.....
۳۱۹	عشق بی حد.....
۳۲۰	عاشقم.....
۳۲۱	عاشقم بر وصل او.....
۳۲۲	از پر پروانه پرس.....
۳۲۳	عشق و عاشقی (عشقی).....
۳۲۴	ای مدرس (اندرز).....
۳۲۵	عمر خزان ما را پس.....
۳۲۶	جمله ذرات حمد او گویند.....

۲۲۱	ایمان (اندرز).....
۲۲۲	از حمد او غافل مشو.....
۲۲۳	غرق تو سو.....
۲۲۴	آیت یزدان بود.....
۲۲۵	در دلم غوغا بود.....
۲۲۶	جاذب یزدان بود.....
۲۲۷	از او بود.....
۲۲۸	لطف خدا.....
۲۲۹	مطربا سازی بزن (عشقی).....
۲۳۰	ساز حق.....
۲۳۱	حمد یزدان.....
۲۳۲	تقدیر.....
۲۳۳	در پیشانی های بسید بهترین دارو مرکب است اندرز.....
۲۳۵	خدا مرده و (اندرز).....
۲۳۶	نیک (موسیقی).....
۲۳۷	از وصل حق تپیده سو.....
۲۳۸	زندگی (ان).....
۲۳۹	در میان میکده.....
۲۴۰	کاروان عشق.....
۲۴۱	شب قدر ماه رمضان.....
۲۴۲	جوانی چو مرغی پرید.....
۲۴۳	یاران همه جمع اند.....
۲۴۴	خیر مقدم بدوست.....
۲۴۵	در سرا پرده ی او.....
۲۴۶	جوان خواهم شد.....
۲۴۷	آرزوی وصل (عشقی).....
۲۵۰	گذشت خدا از گنجه بیشتر است.....
۲۵۱	این دلم عشق جوانی می کند.....
۲۵۲	فرق ماه آسمان با ماه من.....
۲۵۳	معیت رسول خدا (ص).....
۲۵۴	عاشقی فرزانه ایم.....
۲۵۵	نیروی اقتصاد.....
۲۵۶	عشق تو بیدارم کرد.....
۲۵۷	خدایا.....
۲۵۸	شب مهتاب (عشقی).....
۲۵۹	عالم عشق (عشقی).....
۲۶۰	دولت عشق احد.....
۲۶۱	در بدرقه.....
۲۶۲	بارالها عاشقم.....
۲۶۳	جهت مهر باز نشستگان کثیری.....
۲۶۵	شرمنده ی احسانم کرد (عشقی).....
۲۶۶	نغمه ی عاشقانه مرغ.....
۲۶۸	خوشگلی هر رهگذر خواهان تو.....
۲۶۹	قرانت اشعار در حضور شعرای کرمانی.....
۲۷۱	جوانی سراپی بود.....
۲۷۲	یاد آن شب (عشقی).....
۲۷۳	خیر مقدم.....

۳۸۳	تاکی وحدت	۳۲۹	عاشقی
۳۸۴	جشن عروسی	۳۳۰	کوهپایه کرمان
۳۸۵	جنگ	۳۳۱	خدایا گناه من ببخش
۳۸۶	قره‌تنگ	۳۳۲	آموزش و پرورش
۳۸۷	در جستجوی لایزال	۳۳۳	تفکر بهترین آموزگار است
۳۸۸	رنجش پدری از فرزندش	۳۳۴	عاشق و مستیم
۳۸۹	هشدار (اندرز)	۳۳۵	پروانه میباید (اندرز)
۳۹۰	شعر در حالت رؤیا	۳۳۶	غافل از یزدان مباد
۳۹۱	اندرین دل	۳۳۷	ای عکس
۳۹۲	دل جای یزدان آمده	۳۳۸	از زندگی لذت ببر (اندرز)
۳۹۳	سوی رحمان الرحیل	۳۳۹	چشم شیلگو مباد
۳۹۴	دیگر منایل	۳۴۰	وظیفه فرزند نسبت بوالدین (اندرز)
۳۹۵	حسنت آیت لایزال	۳۴۱	مکافات (اندرز)
۳۹۶	احیای دل	۳۴۲	ورزش
۳۹۷	غوغای دل	۳۴۳	زندگی سالم (اندرز)
۳۹۸	عمر ما	۳۴۴	کلید سعادت (اندرز)
۳۹۹	صحرای گل	۳۴۵	مزار شاه نعمت
۴۰۰	عاشق پیمان‌نام (عشقی)	۳۴۶	در گوشه میخانه
۴۰۱	کیستم	۳۴۷	تفریح گاه جزیره کیست
۴۰۲	از عشق حق دیوانه‌ام	۳۴۸	عبادت واجب است
۴۰۳	بی حساب افتاده‌ام	۳۴۹	نیکو قصص (یوسف و زلیخا)
۴۰۴	عاشق آن گوهرم	۳۵۰	بیاض دختری زیبا بود (عشقی)
۴۰۵	از چشم یار افتاده‌ام (عشقی)	۳۵۱	مریض عشق وحدت
۴۰۶	در مدح مادرم اقتسانه	۳۵۲	از بهار غرق نشاط
۴۰۷	عاشقم دیوانه‌ام	۳۵۳	احتیاط کن احتیاط
۴۰۸	با فروشان بوده‌ام	۳۵۴	زیبا خطوط
۴۰۹	عشق وحدت	۳۵۵	احتیاط
۴۱۰	مرکب صبا کرده‌ام	۳۵۶	رو سوی واعظ
۴۱۱	فراق یار (عشقی)	۳۵۷	ندارد حظ
۴۱۲	عشق یار	۳۵۸	به دیدنش قانع
۴۱۳	عاشق و دیوانه‌ام	۳۵۹	سوزانم چو شمع
۴۱۴	عاشق میخانه	۳۶۰	ماه تابانی (عشقی)
۴۱۵	فرزانه‌ام	۳۶۱	یر نر ایوان باغ
۴۱۶	مشتاق وصل خالقم	۳۶۲	دارم دریغ
۴۱۷	پروانه‌ام پروانه‌ام	۳۶۳	گل چیدن باغ
۴۱۸	آمدن کوهپایه به اتفاق دوست	۳۶۴	یاران ز یک طرف
۴۱۹	گوشه میخانه‌ام	۳۶۵	یار شیدایی شرف (عشقی)
۴۲۰	مستانه‌ام مستانه‌ام (عشقی)	۳۶۶	نور رخشانی ز لطف
۴۲۱	عاشق دیدار تو گشتم (عشقی)	۳۶۷	برفتم به
۴۲۲	عاشق آن کیهام	۳۶۸	دنیای عشق
۴۲۳	خواهان شدم (عشقی)	۳۶۹	دریای عشق
۴۲۴	زیبا پسندم	۳۷۰	عشق دریای بی ساحل بود
۴۲۵	دوش وقت سحری	۳۷۱	دیدم روشن می‌شود
۴۲۶	ز کوی تو گذر می‌کردم (عشقی)	۳۷۲	عاشقم
۴۲۷	یا محمّد(ص)	۳۷۳	غوغای عشق
۴۲۸	دیوانه‌ای عشقش شدم (عشقی)	۳۷۴	عشق چیست
۴۲۹		۳۷۵	جشن تولد
۴۳۰		۳۷۶	
۴۳۱		۳۷۷	
۴۳۲		۳۷۸	
۴۳۳		۳۷۹	
۴۳۴		۳۸۰	
		۳۸۱	
		۳۸۲	

۴۸۶	کوشه‌ی میخانه‌ها والا شدیم	۴۳۵	حلقه در گوش شدم (عشقی)
۴۸۷	خواهان شدیم	۴۳۶	می‌روی راد سفر (عشقی)
۴۸۸	عهد و پیمان (اندرز)	۴۳۷	عاشق مناس
۴۸۹	امید سربابی است (اندرز)	۴۳۸	عاشقم دیوانه‌ام
۴۹۰	ز غرت بس حزینم	۴۳۹	عاشق یكدانه‌ام
۴۹۱	قسم‌نامه به یاد دیرانم	۴۴۰	در وصال عشق یزدان
۴۹۲	قسم‌نامه	۴۴۱	از عشق او دیوانه‌ام
۴۹۳	غنیب شمار	۴۴۲	شاگرد یكدانه‌ام
۴۹۴	ز باران حکیم	۴۴۳	شراب عشق
۴۹۵	ناد جوانی می‌کنم	۴۴۴	خانی و هوئی دستم
۴۹۶	طلب بخشش	۴۴۵	از مرگ دخرم حشمت
۴۹۷	سوی یزدان می‌روم	۴۴۶	ای کبرجانی
۴۹۸	راز و نیاز به خدا	۴۴۷	من کیم
۵۰۰	با یاد تو عشقی	۴۴۸	بردارم خنجر در بیمارستان خلیلی شیراز
۵۰۱	جذب یکتا گشته‌ایم	۴۵۰	بلای منی خدای حادق بیژن خادمی
۵۰۲	مست و خراب افتاده‌ایم	۴۵۱	شاگرد من شدم
۵۰۳	در میان میکده مست و خراب	۴۵۲	سخره‌خور
۵۰۳	چه شود	۴۵۳	نام دوستانم
۵۰۵	رخسار تو (عشقی)	۴۵۴	مست چاه آمده
۵۰۶	شکستی عهد و پیمان را (عشقی)	۴۵۵	مشتاق یزدان
۵۰۷	در کوی جانان بودایم	۴۵۶	عشق حق
۵۰۸	به مناسبت روز جهانی سالمندان	۴۵۷	خدا یا: ز عشقت بی‌قرارم
۵۰۹	امشب از وحدت می	۴۵۸	مستانه میرم
۵۱۰	باد ایام جوانی	۴۵۹	اگر ملحق شوم
۵۱۲	لطف یزدان آمده	۴۶۰	همسرم
۵۱۳	ز حرم مطهر زینب (س)	۴۶۱	بارالها
۵۱۵	خواب زیارت	۴۶۲	تودیع جمعی با استادان دانشکده تهران
۵۱۷	به مناسبت تشریف بمکه معظمه	۴۶۳	عشق کبریانی
۵۱۷	در حال مطهر بنظم آمده	۴۶۴	تفضیل نما
۵۱۹	به مناسبت تشریف بمدینه طیبه	۴۶۵	عاشقم دیوانه‌ام
۵۱۹	در حال مطهر بنظم آمده	۴۶۶	محنت دو چندان می‌کنم (عشقی)
۵۲۱	کرمانشاه	۴۶۷	ز جانان ریشم (عشقی)
۵۲۲	کرمانشاه	۴۶۸	روح خود احیا کنم
۵۲۴	لطف یکتا	۴۶۹	غصه فراموش کنم (عشقی)
۵۲۵	چه خوش ملحق شوی	۴۷۰	عشق زمانی می‌کنم
۵۲۶	در مدح علی بن موسی (ع)	۴۷۱	ره میخانه روم
۵۲۷	سوی یزدان	۴۷۲	مطربا چنگی بزن (عشقی)
۵۲۸	مقام زن شایسته	۴۷۳	ای محمد رهبرم (ص)
۵۲۹	زن‌های بی‌بندبار مکار	۴۷۴	قربان غفرانش شوم
۵۳۰	هوای نفس	۴۷۵	واصل یزدان شوم
۵۳۱	یکتا نظر کن	۴۷۶	در جلسه تودیع با بی‌ها
۵۳۲	یاری یکتا ببین	۴۷۷	ما عاشق یكدانه‌ایم
۵۳۳	غوغای مرا فرزانه بین	۴۷۸	پیش سلطان جهان
۵۳۴	در تولد و گذشت زمان	۴۷۹	مشتاق آن پیمان‌ام
۵۳۵	بهارستان مهد عشق عاشقان	۴۸۰	خازن و سخن عشق‌م
۵۳۷	تقاضای رسیدگی از قاضی دیوان عالی کشور	۴۸۱	مشتاق یزدان گشته‌ایم
۵۳۸	عمر خود ضایع مکن (اندرز)	۴۸۲	در مرگ غم‌انگیز پدرم

۵۹۰	فصل بهاران می‌رسد	۵۳۹	صله‌ی رحم (اندرز)
۵۹۱	در دامن صحرا روان شو (اندرز)	۵۴۰	یا علی
۵۹۲	غیر خدا هیچ مگو	۵۴۱	نکردم طاعتی
۵۹۳	مصلحت گردش روزگار	۵۴۲	دین شده باریچه‌ای از هر سود
۵۹۵	حمدش بگو	۵۴۴	کودکستان
۵۹۶	عاشق بس بی‌قرارم	۵۴۵	غصه را پوچش بدان (اندرز)
۵۹۷	آمدی جانم (عشقی)	۵۴۶	راز و نیاز بدرگاه خالق بی همتا
۵۹۸	تویی تو	۵۴۷	هر نعمت از او بود (اندرز)
۵۹۹	خدایا مستاندام مشتاق تو	۵۴۸	درهای رحمت را گشوده
۶۰۰	داخل میخانه شو	۵۴۹	خدایا دیده‌ی بینا بده
۶۰۱	فنا شو	۵۵۰	عید می‌آید
۶۰۲	عازم میخانه شو	۵۵۰	در روز می‌نظم آید
۶۰۳	خدمت به هم‌تو	۵۵۱	در مصیبتا شکایتی نما (اندرز)
۶۰۴	عازم کرمان بشو	۵۵۲	مقایس عمر با آن با گردش ماد
۶۰۵	پیغام بیاد صبا (عشقی)	۵۵۴	ای صبا و عشق وصلی برسان (عشقی)
۶۰۶	ای نسیم صبا (عشقی)	۵۵۵	از خودت حلق شناس
۶۰۷	ما عاشق یاریم	۵۵۶	خوشا بفصل بهار (ای)
۶۰۸	خلوت دل	۵۵۷	روی دوست بوسیدن (عشقی)
۶۰۹	چه شیدا می‌کده	۵۵۸	بیش کوشیدن (عشقی)
۶۱۰	در جستجوی می‌کده	۵۵۹	در اجتماع معاشرت کن (اندرز)
۶۱۱	صفای می‌کده	۵۶۰	از وصل خود شاهانه‌ام کن
۶۱۲	آیم بکوی می‌کده	۵۶۱	دردی دوا کن
۶۱۳	بوسه گیرم از لبت (عشقی)	۵۶۲	انتخاب همسر (اندرز)
۶۱۴	مظفر آمده	۵۶۳	ای روح حزین
۶۱۵	آزار مده (عشقی)	۵۶۴	نیکی (اندرز)
۶۱۶	بجز جگرعی صبا بمانده	۵۶۵	خدایا عاشقم
۶۱۷	بپ من باشد گواه (عشقی)	۵۶۶	از عشق خود افسانه‌ام کن
۶۱۸	داخل دریای آن غرقانه رفته	۵۶۷	هدایت کن
۶۲۰	دلیم بی‌خبر رفته	۵۶۸	بیا بخانه‌ی ما (عشقی)
۶۲۱	دران کشته‌ام	۵۶۹	عزم رفتن کرده‌ام (عشقی)
۶۲۲	فصل بهار آمد	۵۷۰	عشق یزدان آمده
۶۲۳	سیزده بدر (چهارم)	۵۷۱	یکتای من
۶۲۴	خیر مقدم به من می‌دهد	۵۷۲	ادای خیر مقدم
۶۲۵	بهر خدمت آمدی (اندرز)	۵۷۳	ارزش شعر شاعران
۶۲۶	آرام جانم آمده (عشقی)	۵۷۴	دیده بگشا
۶۲۷	جهاد در راه خدا	۵۷۵	ماه مبارک رمضان
۶۲۸	جشن باستانی سده	۵۷۶	همه در فکر خویشند
۶۲۹	خشکسالی کرمان در سال ۱۳۸۶	۵۷۸	غرق خطانیم کنون
۶۳۱	شب بلدا	۵۸۰	دریا
۶۳۲	این جهان و این فلک پس یی و فاست	۵۸۲	شوری به پا کن
۶۳۴	آمدی (عشقی)	۵۸۳	ای صبا (عشقی)
۶۳۵	عاشق یکتا شده	۵۸۴	وصل یزدان آرزو
۶۳۶	من مستم و افتاده	۵۸۵	می‌رویم در کوی او
۶۳۷	چرا اشعار وحدت می‌سرایم	۵۸۶	یا محمد (ص)
۶۳۹	در شهادت سرور آزادگان	۵۸۷	یزدان بجو
۶۴۲	در شهادت حسین ابن علی (ع)	۵۸۸	از کنار من مرو (عشقی)
۶۴۴	خواب دوشین	۵۸۹	با دوستان آمیزش کن (اندرز)

سلطانم تونی.....	۶۹۴
مادر کجایی.....	۶۹۵
خدایا.....	۶۹۶
در مدح رسول اکرم ص.....	۶۹۷
یا محمد در قیامت برجم اسلام توملجا. عمر خد. و.....	۶۹۸
اتقیایی.....	۶۹۹
راز و نیاز یا خداوند معال.....	۷۰۰
در مدح حضرت زهرا.....	۷۰۱
عشق خدایی.....	۷۰۲
یار الیه بنو نازم.....	۷۰۳
بنخواب دیدم اندی عشقی.....	۷۰۴
کجایی؟.....	۷۰۶
مناجات.....	۷۰۹
در وصف آستانه شاد نعمت الله ولی.....	۷۱۰
هفت باغ علوی.....	۷۱۱
شکوه از تدریس فیزیک.....	۷۱۲
یاد تحصیل در دانشسرای عالی.....	۷۱۴
به مناسبت همایش هشتمین سال زلزله بیم.....	۷۱۷
نصیحت.....	۷۱۸
وامق آباد کوهپایه کرمان.....	۷۱۹
کرمان و مردم آن.....	۷۲۱
دین شده بازپچه‌ای.....	۷۲۳
زلزله‌ی پنجم دیماه ۱۳۸۲ در شهرستان بیم.....	۷۲۵
یادی از تحصیل در دانشسرای عالی.....	۷۲۷
تو کجایی ما کجا.....	۷۲۹
زندگی خواب و خیالی.....	۷۳۱
همه سب یاد کنم (عشقی).....	۷۳۲
قلب من برای یزدانی بود (اندرز).....	۷۳۳
تبریک به استاد شمسوی استاد دانشگاه تهران.....	۷۳۴
اتحاد ایران به روز (اندرز).....	۷۳۷
مدح بهار.....	۷۳۹
خواب کنفرانس وحدت خدای.....	۷۴۱
خواب کنفرانس وحدت دانشسرای.....	۷۴۴
ز کوشش می‌شوی با اشهار (اندرز).....	۷۴۷
دین و مذهب من.....	۷۴۸
از دیدن آبشار بیمارستان نمازی شیراز.....	۷۵۰
بده یاد دای.....	۷۵۱
تک‌بیتی‌هایی که پس از جراحی حنجره در بیمارستان.....	۷۵۳
خلیلی شیراز روی تخت بیمارستان سروده‌ام.....	۷۵۳

با روی شیدا آمدی (عشقی).....	۶۴۶
و ده چه سود یاد کسی عشقی.....	۶۴۷
بزدانم تو باشی.....	۶۴۸
غنیمت دان جوانی (اندرز).....	۶۴۹
داخل رضوان کسی.....	۶۵۰
در مدح مولای متقیان علی (ع).....	۶۵۱
بی‌وفایی کرد دای (عسفی).....	۶۵۳
وداع جوانی.....	۶۵۴
عشق او منجی بود.....	۶۵۵
ای وطن.....	۶۵۶
خاطر جوانی.....	۶۵۸
چرا برش بهما کردی (عشقی).....	۶۵۹
بوس نامم نشدی (عشقی).....	۶۶۰
چه کردی (عشقی).....	۶۶۱
بهر احیا آمدی (عشقی).....	۶۶۲
ماه تابان آمدی (عشقی).....	۶۶۳
بهر درمان آمدی عشقی.....	۶۶۴
جانم به قربان آمدی عشقی.....	۶۶۵
شکوه از یار (عشقی).....	۶۶۶
هذیان در بیماری و تب شدید.....	۶۶۷
آواز رهگذر (عشقی).....	۶۶۹
یادی از مراحل زندگی.....	۶۷۰
در مدح هنر.....	۶۷۱
مشت خود و می‌کنی (عشقی).....	۷۳
دل بدریا زن.....	۷۵
مرا دیوانه کردی (عشقی).....	۷۵
عاشقی شیدا شوی.....	۷۶
در دلم جا کرده‌ای (عشقی).....	۶۷۷
نشستم گوشه‌ی میخانه‌ای.....	۶۷۸
صید صیادی شدم (عشقی).....	۶۷۹
عقل نامرئی.....	۶۸۰
انتخاب خدمت.....	۶۸۱
عشق خدائی.....	۶۸۳
افیون (اندرز).....	۶۸۴
اصفهان.....	۶۸۵
امید و آرزو.....	۶۸۶
چهارگنبد بهترین تفریح‌گاه تابستانی استان کرمان.....	۶۸۷
در شأن معلم.....	۶۸۹
علی ای امام والا.....	۶۹۰
ارزش والای پدر.....	۶۹۲
شاه غفرانم تویی.....	۶۹۳

به نام یزدان پاک

مقدمه

حمد و ستایش ذات اقدس سبحانی را سزااست، که انسان را آفرید و او را علم و خرد آموخت و قلم داد تا تحریر کند، بیان داد تا ستایش نماید، عقل داد تا تفکر کند، پیامبران را فرستاد تا ارشاد و هدایت کنند. به انسان آموخت که در رمز خلقت و دریای نامتناهی آفرینش تفکر و تفحص نماید. هادی نجات مشتاقان از دوزخ گردید. آموخت چگونه طبع پر احساس و فریادش را که در درون آنها نهفته است شکوفا سازند.

در حقیقت شعر یک موجب الهی و الهام آسمانی است. چون شهابی است که گهگاه در آسمان خیال و عاطفه اشخاص پراخاس می درخشد.

آنهایی که از این نعمت الهی بهره دارند الفاظ و کلمات را در اوزان مختلف به صورت شعر جان می بخشند و در دلها سرور و شوقا برپا می سازند و از قرائت آن شنونده را تحت تأثیر کلمات موزون قرار داد. چون امواج موسیقی اختیار را از شنونده سلب می نمایند.

مجموعه ای که در این کتاب به نظم آمده و از نظر خرد و علم معظم می گذرد از آن اینجانب سید محمود ناصر علوی است که در تاریخ ۱۳/۵/۱۳۲۸ در کرمان در یک خانواده فرهنگی متولد شد. تحصیلات ابتدایی ام را در دبستان علی بیگم دوره اول دبیرستان را در دبیرستان پهلوی سابق (امام امروز) به پایان رساندم. در سال ۱۳۲۶ وارد دانشسرای مقدماتی کرمان گردیدم. در سال ۱۳۲۸ پس از پایان تحصیل از دانشسرای مقدماتی کرمان جهت انجام وظیفه عازم بندرعباس گردیدم. (کرمان استان هشتم بود و استان های امروزی بندرعباس و یزد و سیستان و بلوچستان تابع کرمان بودند). در آن سال در بندرعباس فقط سیکل اول پسران و دبیرستان ابن سینا بود که من تدریس می کردم. در سال ۱۳۳۰ اولین کلاس سیکل اول دبیرستان دخترانه ۱۷ دی آن روز که مجاور دبستان بود افتتاح گردید که من مدرس دروس علمی آن بودم. در

سال ۱۳۳۱ نمایندگی فرهنگ و اوقاف بخش فین بندرعباس را بر عهده داشتم. در سال ۱۳۳۲ از بندرعباس به شهرستان بم منتقل گردیدم. در شهرستان بم به کارهای اداری و آموزشی اشتغال داشتم. بطور آزاد دیپلم ادبی و طبیعی را در کرمان دریافت نمودم. پس از اخذ دیپلم ریاضی در سال ۱۳۴۱ وارد دانشسرای عالی تهران گردیدم و در سال ۱۳۴۴ در رشته فیزیک به اخذ لیسانس نائل آمدم. در ضمن تحصیل با پشتکار گواهی تعبیر رادیو و تلویزیون را از کاخ دانش که مؤسسه‌ی بنامی بود دریافت نمودم. برای امرار معاش در دبیرستان‌های دخترانه آزمون و ولی‌النصر تهران تدریس می‌کردم. در زمانه در تهران به تحصیل اشتغال داشتم همسرم خانم ملوک شفیعی زاده ماهانی چون فنگس را به فرزندانم بنا به مقتضیات زمان در بم زندگی می‌کردند و او مشوق من در امر تحصیل بود و لازم فرزندانم صادقانه نگهداری می‌کرد. در سال ۱۳۴۴ به شهرستان بم مراجع نمودم. در شهرستان بم دبیری فیزیک و شیمی و ریاضی را عهده‌دار بودم. در این شهرستان اولین آموزشگاه شبانه را برای افراد متفرقه و دبیرستان ملی صادق سجادی را برپا نمودم.

چون در بم شرکت بیمه و بیمه‌داری نداشت نمایندگی بیمه ایران را بر عهده گرفتیم که سالها ادامه داشت. به دستور دولت که در دبیرستان‌های ملی منحل شد از طرف استاندار کرمان آن روز دبیری کمیته پیمان با برپا نمودم به من محول گردید. در اردیبهشت ۱۳۵۷ از شهرستان بم به کرمان منتقل گردیدم. در کرمان راهنمایی دبیرستانها را عهده‌دار بودم. در سال ۱۳۵۸ پس از آن سال سابقه صادقانه به افتخار بازنشستگی نائل گردیدم.

مشوقین سرودن شعرهایم

۱- ابتدا مرحوم پدرم حاج سیدعلی اصغر ناصرعلوی بود که فردی فاضل و وارسته و تربیت اخلاقی و معنوی مرا بر عهده داشت. اجازه می‌داد که پیوسته با او مشاعره کنم. او حافظه‌ای بسیار قوی داشت. آن شور ادیبانه پدر در حال من شوقی افکند که به ادبیات و شعر الفتی پیدا کنم و هر زمان فراغت دست می‌داد اشعار بزرگان را می‌خواندم و لذت می‌بردم. اکنون خاطرات گذشته را به یاد می‌آورم احساس می‌کنم که مرحوم پدرم تا چه اندازه در هدایت و آرامش روحی من کارساز بوده است. پدرم فرهنگی بود و ریاست دبیرستان دخترانه پروین بم را بر عهده داشت و گاهی هم در

زمان حیات منبر می‌رفت. مداح جدش حسین بن علی (ع) بود.

۲- در دوران تحصیل در دانشسرای عالی تهران مشوق من استادان ارجمند آقایان: دکتر نیرسینا و دکتر مظاهرمصفا استادان ادبیات دانشگاه تهران بودند و به دستور و راهنمایی استادان معظم در جلسات ادبی شرکت می‌کردم و گاهی شعری می‌سرودم و قرائت می‌کردم. آنچه دارم از آنها دارم.

۳- در سال ۱۳۷۰ که جهت انجام حج تمتع به مکه معظمه مشرف شدم مشوق من مرحوم مؤسس مدرسه روایان و حجة الاسلام شیخ شماعی روحانی کاروان بودند که در مکه معظمه و بنای قریستان بقیع و عید غدیر خم در عربستان سعودی اشعاری سرودم که در آنجا قرائت گردید. مدتی در گوشه‌ای انزوا می‌نویسم و شعر می‌گفتم و ساکت و خاموش در تفکر بودم. اشعار بسیار پراکنده‌ای در موضوعات مختلف گفته بودم مثلاً سفاهه تعداد زیادی را در اختیار ندارم که به چاپ برسانم.

شبی در محفل دوستان کرمانی بودم بر سر سرشار اشعاری قرائت کردم. یاران مشوق من گردیده که نسبت به چاپ اشعار مبادرت ورزم. گویا اینکه کار بدیع و در خور اعتدال فراهم نساخته‌ام می‌توان گفت پاسخگوی ذوق و شوقی است که در درونم غوغا می‌کند و دلم را در آن می‌سازد. لذا مبادرت به چاپ این مجموعه نمودم چون از ته دل گفته بودم نام آن را «خوار علی دل» نهادم و آن را به ارباب خرد و دانش تقدیم می‌نمایم. بدون شک خالصی از «خوار علی دل» و نقص نخواهد بود.

امید است به دیده اغماض بنگرید به قول لسان الغیب خواجه شمس الدین محمد حافظ شیرازی:

چگونه سر ز خجالت برآورم بر دوست که خدمتی به سزا بر نیامدم از دستم

سید محمود ناصر علوی

۱۳۸۵ کرمان

بسم الله الرحمن الرحيم

سپاس بیکران خالق متعال را که چاپ اول دیوان غوغای دل مورد توجه خوانندگان معزز که اهل ذوق و طبع خاص بودند واقع شد و در کوتاه مدتی نسخ آن کمیاب گردید. خوانندگان محترم ضمن رضایت به چشم اغماض نگریستند و از عیوب فراوان آن چشم پوشی کردند و اینجانب را از روی کرم و بزرگواری کتباً و شفاهاً مورد ملاحظت قرار دادند.

با تشویق مستقیم خوانندگان محترم چاپ دوم آن لازم آمد. لذا مبادرت به چاپ دوم آن نمودم و این بار حدیثی بر آن افزودم تا در اختیار ارباب خرد قرار گیرد.

چون از ته دل در برابر تضرع به درگاه حضرت باری تعالی و از روی عشق و ارتباط معنوی با خالق یکتا و قبحی چون از عشق معبود بی همتایم سروده بودم نام آن را «فریاد عشق» نهادم. در پیل از قاصد حسن حسنی سعدی و کلیه کارکنان انتشارات فانوس و سرکار خانم مریم حبیبی که کمال صمیمت و نهایت همکاری را مبذول کرده‌اند و از هیچگونه مساعدت مضایقه نفرموده‌اند، صمیمانه تشکر و سپاسگزاری می‌نمایم.

سید محمود ناصر علوی

۱۳۸۶ - کرمان

به نام خالق کل هستی

خدای رحمان را سپاسگزارم که دیوان فریاد عشق مورد عنایت دانشگاهیان و فرهنگیان فرهیخته قرار گرفت و اینجانب را کتباً و شفاهاً مورد مکرمات قرار دادند. جناب استادان معظم ضمن تشویق فرمودند خوب بود تعداد فرزندان و مشاغل آنها را در این مجموعه درج می‌کردی.

باید عرض کنم خداوند متعال هشت فرزند به من اعطا فرمود دو تا از فرزندانم بنام حشمت‌السادات و سید محمد هر دو در بهار آمدند و دو خزان بدرود حیات گفتند. دخترم در اثر سرطان و پسرم در اثر تصادف. از پسر سید محمد فرزندی هم محب بیادگار مانده. اکنون دانشجوی دندان پزشکی است.

اکنون سه پسر بنامهای سید منصور، سید مهدی و سید محبوب در قید حیاتند. سید منصور و سید مهدی مدرس دانشگاه شهید بهشتی، کرمان و سید محبوب به کار آزاد اشتغال دارد.

از سه فرزند دخترم بنامهای سرورالسادات، شکوهالسادات و رفعتالسادات در قید حیاتند. نوه‌هایم اغلب یا استاد دانشگاهند یا پزشک متخصص.

سرورالسادات پزشک متخصص، شکوهالسادات دبیر روان‌شناسی و رفعتالسادات خانه‌دار است. دارای ۸ فرزند نتیجه می‌باشم یکی دختر و سه پسر می‌باشند.

تمام فرزندانم ازدواج کرده‌اند. تاکنون دارای شانزده نوه و پنج نوه پسر می‌باشند. نوه‌هایم خوشبختانه تمامی متدین و خدمتگزار مملکت می‌باشند.

در اثر تشویق اساتید علم و هنر و شعرای نامدار کرمان اشعار جدیدی هم آوردم در بین اشعار جدید و گذشته گزیده‌ی آنها در مجموعه‌ای بنام دیوان ناصر که تخلص اینجانب است تقدیم می‌کنم امید است مورد توجه ارباب خرد قرار گیرد.

به نام خالق بی‌همتا

خداوند متعال را سپاسگزارم که دیوان ناصر مورد توجه اهل علم و دانش قرار گرفت و شورای محترم شهر کرمان خیابانی در بلوار قائم (شرف آباد) بنام خیریه بان سید محمود ناصر علوی شاعر کرمانی نامگذاری فرمودند و مقامات ذیصلاح تابلوی آنرا نصب کرده‌اند.

خدا را شکر می‌کنم که اشعار توحیدی را در حالت خاص با توجه به معبود خویش به نظم آوردم. نشان مستغرق ذات بی‌همتایش قرار گرفتم گوئی در آسمان ملکوتی باری تعالی پرواز می‌کنم گویی دستی از غیب مرا را راهنمایی می‌کرد و از حالت عادی خارج می‌شدم چون قطره‌ای از چشمت داخل دریای وحدت خدایی می‌گردیدم که لاز وصف و فهم ناچیز اینجانب خاصیت

مست بی‌خود گشته‌ایم در کور یزدان بوده‌ایم
عاشق راز و نیاز در شعر گویا بوده‌ایم
می‌زدم بسا تار دل چنگی ز عشق لطف اله
دل بر تن آید ز خمدش شاد و شادان بوده‌ایم

محمود ناصر علوی

۱۳۹۱ - کرمان

تذکار

ای می و میخانه از نظر اینجانب که در اشعار این دیوان به نظم
مد
می: داشتن قلب حساس، توجه به خداوند متعال، ارتباط در حالت
روحانی و یگانگی خالق کل هستی
- میخانه، همان سی است که در آنجا از روی اخلاص و قلبی
مملو از عشق و تقوی محتاجی و مُناجات گفته شود و راز نیاز با خداوند
سبحان در میان آید.

سید محمود ناصر علوی

۱۳۸۸ کرمان